



نام برگزار کننده

مدت زمان آزمون: -

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون:

تاریخ برگزاری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

۱) عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفِرَاعِ:

إِنَّ..... لَامٍ وَّ لَآبٍ/ لا كَالْجَهْلِ

۱) النَّاسُ/ مِيرَاثُ ۲) النَّاسُ/ المِيرَاثُ ۳) النَّاسُ/ مِيرَاثُ ۴) النَّاسُ/ المِيرَاثُ

۲) عَيْنٌ حَرْفًا جَاءَ لِرَفْعِ الْإِبْهَامِ عَنِ الْجُمْلَةِ:

۱) يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تَرَابًا ۲) كَأَنَّكَ مُتَرَدِّدٌ فِي ذَهَابٍ إِلَى الْجَوْلَةِ لَكُنْتَنِي أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ.
۳) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۴) إِنَّ الْفَخْرَ لَعَقْلٍ ثَابِتٍ

۳) عَيْنَ الْخَبْرِ لِحُرُوفِ الْمَشْبَهَةِ بِالْفِعْلِ: «لَيْتَ فَصَلِ الرَّبِيعَ طَوِيلٌ فِي بَلَدِنَا/ كَأَنَّ الْمُشْتَرَى مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ»

۱) فَصَلُ / الْمُشْتَرَى ۲) الرَّبِيعُ / مُتَرَدِّدٌ
۳) الرَّبِيعُ / الْمُشْتَرَى ۴) فَصَلُ / مُتَرَدِّدٌ

۴) «هَلْ تَرَاهُمْ اللَّهُ خَلَقَهُمْ مِنْ فَضَّةٍ؟» عَيْنَ الصَّحِيحِ:

۱) أَنْ ۲) لَيْتَ ۳) إِنَّ ۴) لَأَنَّ

۵) عَيْنٌ مَا يَدُلُّ عَلَى نَفْيٍ كَامِلٍ:

۱) لَا طَالِبَ فِي الصَّفِّ ۲) لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
۳) لَا تَجْتَمِعِ الْخَصِلَتَانِ فِي الْمُؤْمِنِ ۴) هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

۶) عَيْنَ الْخَطَا فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ: «لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ»:

۱) لا: نافية للجنس ۲) جهاد: اسم لا ۳) كجهاد: جازو مجرور ۴) النفس: خبر لا

۷) عَيْنَ الْخَطَا فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ: «لَا تَطْعَمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ»

۱) «و» في لا تطعموا: فاعل ۲) المساكين: فاعل
۳) ما: المجرور بالحرف جار ۴) «و» في لا تأكلون: فاعل

۸) عَيْنَ الْإِسْمِ لِحُرُوفِ الْمَشْبَهَةِ بِالْفِعْلِ: «قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ/ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تَرَابًا»

۱) كل-ى ۲) الله-تراباً ۳) الله-ى ۴) كل- تراباً

۹) عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ الْفَاعِلِ:

۱) كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ ۲) وَجَادِلْهُمْ بِالنِّبِيِّ هِيَ أَحْسَنُ
۳) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۴) هُوَ عَالِمٌ فِي فِرْعِ الْفِيْزِيَا

۱۰) عَيْنٌ مَا لَا تُرْجُو وَقَوْعَهُ:

۱) إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الْعِبَادَ ۲) لَيْتَ يَعُودُ الشَّبَابُ
۳) لَعَلَّ الْفَوْزَ حَلِيفَكَ فِي الْحَيَاةِ ۴) إَعْلَمُ أَنَّ الْبِئْسَ يُبْعِدُكَ مِنَ اللَّهِ

■ مادةٌ حمراء من جسم الحيوان تُصنَعُ منه الاطعمه

- ١) الطين ٢) العصب ٣) الدّاء ٤) اللحم

١٢) عَيْنِ حُرُوفٍ مَشْبَهَةٍ بِالْفِعْلِ ضَمِيرٌ مُتَّصِلٌ.

- ١) كَأَنَّهِنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ.
٢) إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ.
٣) لَيْتَ النَّاسَ يَعْلَمُونَ قِيَمَةَ الْعِلْمِ.
٤) النَّاسُ مَوْتَى وَلَكِنَّ أَهْلَ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ.

١٣) عَيْنِ مَا يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي.

- ١) ابيض ٢) احمر ٣) اسود ٤) اسوأ

١٤) عَيْنِ خَيْرًا لَيْسَ اسْمًا تَفْضِيلًا.

- ١) لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ.
٢) لَا رَاحَةَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا.
٣) لَا سُوءَ اسْوَأَ مِنَ الْكُذْبِ.
٤) لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ.

١٥) عَيْنِ مَا فِيهِ فِعْلٌ نَفْيٍ :

- ١) لَا يَحْزَنُكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ.
٢) لَا تَحْمَلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ.
٣) لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ.
٤) لَا شَيْءَ أَجْمَلُ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ.



نام برگزار کننده

مدت زمان آزمون: --

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون:

تاریخ برگزاری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

سوال ۱

پاسخ: گزینه ۱

گزینه‌ی «۱»

سوال ۲

پاسخ: گزینه ۲

گزینه‌ی «۲»

سوال ۳

پاسخ: گزینه ۱

گزینه‌ی «۱»

سوال ۴

پاسخ: گزینه ۱

گزینه‌ی «۱»

سوال ۵

پاسخ: گزینه ۱

گزینه‌ی «۱»

سوال ۶

پاسخ: گزینه ۴

گزینه‌ی «۴»



سوال ۷

پاسخ: گزینه ۲

گزینه‌ی «۲»

سوال ۸

پاسخ: گزینه ۳

گزینه‌ی «۳»

سوال ۹

پاسخ: گزینه ۲

گزینه‌ی «۲»

سوال ۱۰

پاسخ: گزینه ۲

گزینه‌ی «۲»

سوال ۱۱

پاسخ: گزینه ۴

گزینه ۴

سوال ۱۲

پاسخ: گزینه ۱

گزینه ۱

سوال ۱۳

پاسخ: گزینه ۴

گزینه ۴



سوال ۱۴

پاسخ: گزینه ۲

گزینه ۲

سوال ۱۵

پاسخ: گزینه ۳

گزینه ۳





نام برگزار كننده

مدت زمان آزمون: -

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون:

تاریخ برگزاری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

۱) عین «دؤوب» حالاً:

- ۱) لیتنی أصبح دؤوباً فی اكتساب العلم!
۲) لا یتقدّم فی الحیاة إلا من یحاول دؤوباً!
۳) من كان أمیراً یجب أن یكون دؤوباً و حلیماً!
۴) رأیت طالباً دؤوباً یستمرّ فی أعماله لأهدافه العالیة!

۲) عین كلمة «واقعة» حالاً:

- ۱) كانت طیسفون - عاصمة الساسانیین - واقعةً قرب بغداد!
۲) طیسفون الواقعة قرب بغداد كانت عاصمة الساسانیین!
۳) طیسفون كانت عاصمة الساسانیین و هی واقعة قرب بغداد!
۴) قد سجّلت طیسفون واقعة قرب بغداد فی قائمة التراث العالمی!
۳) عین الصّحیح للفراغ لبيان حالة العالم: «كان العالم یسافر إلى أقصى المناطق عن الأعشاب الطّبیّة!»

- ۱) بحثاً
۲) باحثاً
۳) بْحوثاً
۴) بحثاً كاملاً

۴) عین ما یؤكّد جملة مشتملة على الحال:

- ۱) تعجّب النَّاس لِأنّهم شاهدوا أصنامهم مُكسّرة!
۲) إنّ سمكة السّهم نُحِبُّ أن نأكل تلك الفرائس الحیّة!
۳) فالآثار القديمة و التّمائیل تُؤكّد اهتمام الإنسان بالدين حنیفاً!
۴) إنّ كلّ مسلم یُشاهد هذا المشهد یتذكّر الأماكن المقدّسة مُشفاقاً لِبِها!

۵) عین فعلاً مُعادلاً لِماضی الإستمراریّ فی الفارسیّة:

- ۱) یحزن المؤمنون و هم الأعلون جدّاً!
۲) اخترع العُلما هذه الأشياء المفیدة راغبین فی تسهیل الحیاة!
۳) تخلّص أخی من أعظم المشاكل و هو یناجی ربّه!
۴) أ تشعربین بخيبة الأمل و أنت تتقدّمین یوماً بعد یوم!

۶) عین العبارة التی ما جاءت فیها الحال:

- ۱) كان التلاميذ یشاهدون نتائج الامتحان مُشفاقین!
۲) وقف السّابّ فی الملعب مُبتسماً!
۳) سألت من ربّی أن یجعل هذا البلد آمناً!
۴) نحن ذهبنا مع الأسرة إلى حفلةٍ عظیمةٍ مسرورین!

۷) عین «واو» الحالیة:

- ۱) جاء الأستاذ إلى الصفّ و قام له الطلاب!
۲) تلوّث الآیة: «والفجر و لیل عشر»!
۳) هاجم الفتظاهرون على وزارة الدّاخلیّة و وجوههم مستترّة!
۴) العلماء المسلمون شاركوا فی صلاة الجمعة و استمعوا إلى الإمام!

۸) عین الخطأ للفراغ لإيجاد اسلوب الحال: «إنّی أجلسُ الأولاد على مائدة الطّعام!»

۴) مُبتسماً

۳) المَسرورة

۲) مُبتسمة

۱) مَسرورین



نام برگزار کننده

مدت زمان آزمون: -

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون:

تاریخ برگزاری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

سوال ۱

پاسخ: گزینه ۲

گزینه «۲»

صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، کلمه «دؤوب» نقش حال را داشته باشد. در گزینه «۲»، «دؤوباً» حال است. (ترجمه: در زندگی پیشرفت نمی‌کند مگر کسی که با پشتکار تلاش می‌کند!)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «أصبح» از افعال ناقصه و «دؤوباً» خبر آن است.

گزینه «۳»: «یکون» از افعال ناقصه و «دؤوباً» خبر آن است.

گزینه «۴»: «دؤوباً» بعد از اسم نكرة «طالباً» آمده است و آن را توصیف می‌کند، پس حال است، نه صفت.

سوال ۲

پاسخ: گزینه ۴

گزینه «۴»

«واقعة» در گزینه «۱» خبر «كانت» است؛ در گزینه «۲» اسم معرفة «الواقعة» صفت برای «طیسفون» و در گزینه «۳» خبر برای مبتدای (هی) است. ولی در گزینه «۴» «واقعة» حال است.

سوال ۳

پاسخ: گزینه ۲

گزینه «۲»

برای بیان حالت عالم، باید از حال استفاده کنیم؛ «باحثاً» اسم فاعل است و می‌تواند در این جمله حال باشد.

سوال ۴

پاسخ: گزینه ۴

صورت سؤال، گزینه‌ای را خواسته که در آن، ادات تأکید بر سر جمله‌ای آمده باشد که در آن حال وجود دارد. در گزینه «۴»، «إِنَّ» از حروف مشبهة بالفعل، ادات تأکید است که جمله بعد از خود را تأکید می‌کند، همچنین «مُشْتَأَفًا» نقش حال را داراست. تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ادات تأکید وجود ندارد. «مَكْشَرَةً» حال است.

گزینه «۲»: «إِنَّ» ادات تأکید است اما «الْحَيَّة» معرفه است و نمی‌تواند حال باشد، بلکه صفت است.

گزینه «۳»: ادات تأکید وجود ندارد. «حَنِيفًا» حال است.

سوال ۵

پاسخ: گزینه ۳

صورت سؤال، فعلی را می‌خواهد که معادل ماضی استمراری در فارسی باشد. همانطور که می‌دانید در صورتی که قید حالت به صورت جمله اسمیه آمده و در آن، یک فعل مضارع وجود داشته باشد که قبل از آن هم یک فعل ماضی قرار دارد، فعل مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود. در این‌جا «تَخَلَّصَ» فعل ماضی و «يُنَاجِي» فعل مضارع است. ترجمه عبارت: «برادرم از بزرگ‌ترین مشکلات رهایی یافت، درحالی که با پروردگار خویش مناجات می‌کرد!»

سوال ۶

پاسخ: گزینه ۳

در عبارت گزینه «۳»، کلمه «أَمْنًا» نمی‌تواند نقش حال داشته باشد، زیرا یکی از اجزای اصلی جمله است و در صورت حذف، جمله را ناقص می‌کند. (ترجمه عبارت: از پروردگارم خواستم که این سرزمین را امن قرار دهد!) در سایر گزینه‌ها: «مُشْتَأَفِينَ» مبتسماً و مسرورین» نقش حال را دارند.

سوال ۷

پاسخ: گزینه ۳

در گزینه «۳»، حرف «واو» قبل از یک جمله اسمیه آمده است که به بیان حالت می‌پردازد، پس واو حالیه داریم. ترجمه عبارت: تظاهرکنندگان به وزارت کشور هجوم آوردند در حالی که صورت‌هایشان پوشیده بود! در سایر گزینه‌ها چنین ساختاری وجود ندارد.



سوال ۸

پاسخ: گزینه ۳

حال همیشه باید به صورت نکره بیاید؛ پس «مسرورة» صحیح است.

سوال ۹

پاسخ: گزینه ۳

در این گزینه، مرجع حال (صدیقی: صدیقین + ی)، مفعول به است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: مرجع حال (الأعداء)، فاعل است.

گزینه «۲»: مرجع حال (ضمیر مستتر «نحن»)، فاعل است.

گزینه «۴»: مرجع حال (ضمیر بارز «یا» در فعل «أن تعیشی»)، فاعل است.

سوال ۱۰

پاسخ: گزینه ۳

کلمه «نادمة»: پشیمان، با پشیمانی» حال و منصوب است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱»، کلمه «النشیطین» صفت و منصوب است، نه حال.

در گزینه «۲»، کلمه «محترمون» با توجه به علامت رفع واو، مرفوع است و نمی‌تواند حال باشد.

در گزینه «۴»، کلمه «مسروران» خبر و مرفوع است.

سوال ۱۱

پاسخ: گزینه ۳

صورت سؤال، فعلی را می‌خواهد که بر استمرار دلالت داشته باشد. (یعنی ماضی استمراری باشد). همانطور که می‌دانید در صورتی که قید حالت به صورت جمله اسمیه آمده و در آن، یک فعل مضارع وجود داشته باشد که قبل از آن هم یک فعل ماضی قرار دارد، فعل مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

ترجمه عبارت: «احسان را دیدم، در حالی که معلّمانش را ستایش می‌کرد و از آن‌ها تشکر می‌نمود!»

سوال ۱۲

پاسخ: گزینه ۲

فاعل فعلی که در جای خالی قرار می‌گیرد به (المادّة) برمی‌گردد؛ پس باید این فعل در صیغه مفرد مؤنث غایب باشد: (سَهَّلَتْ)

گزینه «۱» (آسان کردم)، گزینه «۳» (آسان کردیم) و گزینه «۴» (آسان کردند) نامناسب‌اند.

سوال ۱۳

پاسخ: گزینه ۳

گزینه «۳»

در گزینه «۳»، «مَنْ» ادات شرط به معنای «هر کس» است که اشتباه ترجمه شده است. همچنین «عليه أن ...» به معنای «باید ...» ترجمه می‌شود؛ ترجمه صحیح عبارت:

هر کس بخواهد در کارش موفق شود، باید به تنهایی به آن اقدام کند!

سوال ۱۴

پاسخ: گزینه ۱

گزینه «۱»

«برخی اختراعات ... نداشته‌اند»: لم يكن لبعض الإختراعات ... (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «تأثیری»: تأثیر (رد گزینه ۲) / «در ساده‌سازی»: فی تسهیل (رد گزینه ۳) / «کارهای دشوار»: الأعمال الصعبة (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

سوال ۱۵

پاسخ: گزینه ۳

گزینه «۳»

تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱»، «تحفلتها: آن را تحفل کردم»، در گزینه «۲»، «أخبزنا: ما را آگاه کردند» و در گزینه «۴»، «لا أتوجه: متوجه نمی‌شدم» صحیح‌اند.



نام برگزار کننده

مدت زمان آزمون: -

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون:

تاریخ برگزاری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

۱) عین العبارة التي لبيس فيها الحصر و الإختصاص:

- ۱) بعد قراءة الآيات الشريفة فهمت أنه ليس للإنسان إلا ما سعى!
- ۲) أمس رجعت إلى المنزل مساءً و ما شاهدت إلا خالتي العجوزة!
- ۳) ما أنشد الشعراء الإبرانيون ملقعات إلا قليلاً منهم!
- ۴) «لا ييأس من روح الله إلا القوم الكافرون»

۲) عین الإختصار بأسلوب الإستثناء من العبارتين: «حَصَرَ الطَّالِبُ فِي صَالَةِ الإِمْتِحَانِ وَ مَا حَصَرَ وَاحِدٌ مِنْهُمْ!»

- ۱) أ حَصَرَ فِي صَالَةِ الإِمْتِحَانِ إِلا وَاحِدٌ مِنَ الطَّالِبِ؟!
- ۲) مَا حَصَرَ الطَّالِبُ فِي صَالَةِ الإِمْتِحَانِ إِلا وَاحِدَهُمْ!
- ۳) مَا حَصَرَ فِي صَالَةِ الإِمْتِحَانِ إِلا الطَّالِبُ!
- ۴) حَصَرَ الطَّالِبُ فِي صَالَةِ الإِمْتِحَانِ إِلا وَاحِدًا مِنْهُمْ!

۳) عین المستثنى منه لبيس جمع التفسير:

- ۱) لم يحصل الكتاب على جائزة أدبية إلا واحداً منهم!
- ۲) لن ننجح في دروسنا إلا أربعة تلاميذ من بيننا!
- ۳) حَصَرَ الرِّمْلَاءُ فِي صَالَةِ الإِمْتِحَانِ إِلا حَامِداً!
- ۴) لا ينجح الطَّالِبُ فِي الإِمْتِحَانِ إِلا المَجْدِينَ مِنْهُمْ!

۴) عین أسلوب الحصر:

- ۱) لا يرفع لاعبونا الفائزون علم بلادنا إلا حارس المرمى!
- ۲) الأسرة لم تُرسل إلى القاهرة لتكميل الدراسة إلا بنتها!
- ۳) لا يبيع ذلك التاجر بضائعه الغالية إلا الفستق!
- ۴) إستطعت أن أقرأ هذا النص إلا السطر الأخير!

۵) عین الحال:

- ۱) هذا رأي صحيح غير أن كثيراً من الطلاب لا يوافقون عليه!
- ۲) تدخل المؤمنات الجنة شاكراتٍ نعمة ربهن!
- ۳) كنت غارقة في أداء واجباتي الدراسية!
- ۴) ربّت الأمهات أبناءهنَّ على القيم الإنسانية دائماً!

۶) عین الحال مختلفة:

- ۱) شاهدتُ الفزارع مجتهداً و هو يبحث عن طريق لحماية المحاصيل!
- ۲) رجع اللاعبون من المباراة في الساعة الثامنة ليلاً و هم بيتسمون!
- ۳) يشتغل منصور في مزرعة كانت قريبة من بيتنا و هو نشيط!
- ۴) شجعنا فريقنا الفائز في ملعب آزادي و نحن نشعر بالفرح!

۷) عین ما لبيس فيه أداة الإستثناء:

- ۱) أنصحكم ألا تعتمدوا على أحد إلا والديكم!
- ۲) نصحك أبي مرتين إلا تؤجل أمورك أبداً!
- ۳) لا ننصحك في الصعاب إلا بالتوكل على الله!
- ۴) نصحت الجميع بالإمتناع عن الأكل إلا واحداً منهم!

٨ عَيْنِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَذْكُورًا:

- ١ ما طالع ليلة الإمتحان كتاباً إلا الطالب المُجَدِّ!
- ٢ لا يُوجد طريق للوصول إلى العزّة إلا المُحاولة!
- ٣ المؤمنون لا يطلبون من الله فى حياتهم إلا الخيرات!
- ٤ الصّيّادون ما سمعوا من الغابة الخضراء إلا صوت الطيور!

٩ عَيْنِ «إِلَّا» لِلْحَصْرِ:

- ١ لا يكفر بآيات الله أحد إلا الفاسقين!
- ٢ لم قبّلت أولادك الصغار إلا إبراهيم!
- ٣ اليوم ليس لكم عمل إلا مشاهدة أفلامكم المحبوبة!
- ٤ لقا دخلت الطالبات الصف ما كان بأيديهن إلا كتاب العربية!

١٠ عَيْنِ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَوْصُوفًا بِجُمْلَةٍ:

- ١ إنّ الناس يستفيدون من النعم إلا الجاهلين منهم!
- ٢ إذا رأيت معلماً فاحترمه إلا من يتكبر على الآخرين!
- ٣ أحب أن أرى زملاء قد حضروا فى الحفلة إلا سعيداً!
- ٤ لا نرى فى هذا الفصل أشجاراً مثمرة إلا شجرة البرتقال!

١١ «ليت . . . بهذه السمكة غلما . . . تغذيتها صعباً جداً عليهم!». عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاقِينَ:

- ١ الْمُعْجَبَةِ / أَنْ
- ٢ الْمُعْجَبِينَ / أَنْ
- ٣ الْمُعْجَبِينَ / لَكِنَّ
- ٤ الْمُعْجَبِينَ / إِنَّ

١٢ عَيْنِ الْحَالِ مُخْتَلَفَةً عَنِ الْبَاقَى:

- ١ رأيت أختى يوم الأمس و هى تطالع دروسها بدقّة!
- ٢ شاهدت إخوانى المسلمين و ساعدتهم مظلومين!
- ٣ أنا أدعو إلهى كلّ ساعة و هو مجيب الدعوات!
- ٤ يعمل الشّباب بجدّ و هم نشيطون جدّاً!

١٣ عَيْنِ مَا يَدُلُّ عَلَى الْمَاضَى الْإِسْتِمْرَارِيِّ:

- ١ سمكة التّيلابيا تُدافع عن صغارها و هى تسير معها!
- ٢ كانت مقبرة وادى السلام من أكبر المقابر فى العالم!
- ٣ إنّ التّاجح يقوم بعمله وحيداً و لا يتوكّل على النّاس!
- ٤ قبّلت بنتى و هى تلعب مع زميلاتّها فى السّاحة!

١٤ عَيْنِ «وَأَوْ» الْحَالِيَةِ:

- ١ جاء الأستاذ إلى الصفّ و قام له الطّلاب!
- ٢ تلوّث الآية : (والفجر و ليالى عشر!) (٢)
- ٣ هاجم المُتظاهرون على وزارة الدّاخلية و وجوههم مستترّة!
- ٤ العلماء المسلمون شاركوا فى صلاة الجمعة و استمعوا إلى الإمام!

١٥ عَيْنِ الصّحیح عَنِ اسْلُوبِ الْجُمْلَةِ:

- ١ «ما الحیاة الدّنيا إلا لعبٌ ولهُوٌّ» ← أَلَا سْتِثْنَاءُ
- ٢ «إنّ الإنسانَ لَفى حُسرٍ إلاّ الذّین آمنوا...» ← أَلَا سْتِثْنَاءُ
- ٣ أَلَطْلَابُ كَتَبُوا مَا أَمَرَ بِهِ الْأَسْتَاذُ إِلَّا قَلِيلاً مِنْهُمْ! ← أَلْخَصْرُ
- ٤ يَنْمُو فى هذِهِ الْبَسَاتِينِ مَا عَرَسَ الْفَلَّاحُونَ إِلَّا شَجَرَةَ الرُّمَانِ! ← أَلْخَصْرُ



نام برگزار کننده

مدت زمان آزمون: -

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون:

تاریخ برگزاری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

سوال ۱

پاسخ: گزینه ۳

گزینه «۳»

در گزینه «۳» اسلوب استثنا به کاررفته است. بدین معنا که مستثنی منه (الشُّعراء) در آن وجود دارد. در سایر گزینه‌ها اسلوب حصر به کاررفته است.

سوال ۲

پاسخ: گزینه ۴

گزینه «۴»

استثناء نوعی روش اختصارگویی است، لذا دو عبارت تبدیل به یک عبارت می‌شود. در عبارت گزینه «۴»، مستثنی‌منه وجود دارد و جمله هم مثبت است.

ترجمه دو عبارت صورت سؤال: دانش‌آموزان در سالن امتحان حاضر شدند و یکی از آنان حاضر نشد!

ترجمه اسلوب استثناء در گزینه «۴»: دانش‌آموزان در سالن امتحان حاضر شدند به‌جز یکی از آنان!

سوال ۳

پاسخ: گزینه ۲

در گزینه «۲»، مستثنی منه درون فعل «لن ننجح» است و جمع مکسر نیست. در گزینه «۱»، «الکُتَّاب»، در گزینه «۳»، «الزُّملاء» و در گزینه «۴»، «الطُّلاب» مستثنی منه و جمع مکسر هستند.

سوال ۴

پاسخ: گزینه ۲

در گزینه «۲»، جمله منفی (لم تُرسل) و مستثنی منه نیز در جمله قبل از إلاً محذوف است، پس جمله اسلوب حصر دارد.

در سایر گزینه‌ها جمله قبل از إلاً دارای مستثنی منه است.

سوال ۵

پاسخ: گزینه ۲

در این گزینه کلمه «شاکرات» حال مفرد است.

ترجمه عبارت: مؤمنان در حالی که شکرگزار نعمت‌های پروردگارشان هستند وارد بهشت می‌شوند!

سوال ۶

پاسخ: گزینه ۱

گزینه «۱»

صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که حال در آن متفاوت باشد.

حال به دو شکل می‌آید: (۱) یک اسم (۲) یک جمله

در گزینه «۱»، «مُجْتَهَدًا» حال از نوع اسم و «هُوَ يَبْحَثُ» حال از نوع جمله است، اما در سایر گزینه‌ها، حال فقط از نوع جمله آمده است:

«هم بیتسمون» / «هو نشیط» / «نحن نَشعر»

توجه: دقت کنید «قربیه» در گزینه «۳»، برای کامل کردن معنای «کانت» از افعال ناقصه آمده است و نقش حال ندارد.

سوال ۷

پاسخ: گزینه ۲

صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن ادات استثناء (إِلَّا) نیامده باشد. در گزینه «۲»، «الَّا» در واقع مخفف «أَنْ + لا» است و ادات استثناء نیست. ترجمه عبارت: پدرم دو بار تو را نصیحت کرد که کارهایت را هرگز به تأخیر نیندازی!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «الَّا» اول که قبل از فعل «تعتمدوا» آمده، مخفف «أَنْ + لا» است اما «الَّا» دوم ادات استثناء می‌باشد.

گزینه «۳»: «الَّا» ادات استثناء است.

گزینه «۴»: «الَّا» ادات استثناء است.

سوال ۸

پاسخ: گزینه ۲

در گزینه «۲»، «طریق» مستثنی منه است که ذکر شده است و ارکان جمله قبل از إِلَّا کامل است. (ترجمه عبارت: راهی برای رسیدن به بزرگی یافت نمی‌شود، به جز تلاش!)

در سایر گزینه‌ها مستثنی منه در جمله قبل از إِلَّا نیامده است.

سوال ۹

پاسخ: گزینه ۴

هرگاه در عبارت قبل از «إِلَّا» مستثنی منه وجود نداشته باشد، اسلوب جمله برای حصر و اختصاص است، نه استثناء.

در گزینه «۴» مستثنی منه وجود ندارد و جمله نیز منفی است، (به عبارت دیگر، اسم افعال ناقصه ذکر نشده است) بنابراین حصر دارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

مستثنی منه در سایر گزینه‌ها عبارت‌اند از: أحد، اولاد، عمل. بنابراین در سه گزینه دیگر اسلوب استثناء وجود دارد.

سوال ۱۰

پاسخ: گزینه ۳

صورت سؤال، مستثنی منه را می‌خواهد که جمله‌ای برای توصیف آن آمده باشد. در گزینه «۳»، «زملاء» مستثنی منه و یک اسم نکره است، جمله فعلیّه «قد حضروا» نیز برای توصیف آن آمده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «النّاس» مستثنی منه است ولی توصیفی نداریم.

گزینه «۲»: «معلّمًا» مستثنی منه و یک اسم نکره است، اما حرف «ف» میان اسم نکره و فعل «احترم» فاصله انداخته است و جمله وصفیه نداریم.

گزینه «۴»: «أشجاراً» مستثنی منه و یک اسم نکره است، اما برای توصیف آن اسم «مثمرّة» آمده است.

سوال ۱۱

پاسخ: گزینه ۲

در جای خالی اول با توجه به فعل «عَلِمُوا» که جمع مذکر است، «مُعْجِبِينَ» می‌آید (رد گزینه‌های ۱ و ۴). در جای خالی دوم نیز «أَنَّ» به معنای «که» مناسب است. «أَنَّ» در وسط عبارت و برای وصل کردن و ایجاد ارتباط میان جملات به کار می‌رود (رد گزینه‌های ۳ و ۴).

ترجمه عبارت تکمیل‌شده: کاش علاقمندان به این ماهی می‌دانستند که تغذیه آن، بر آن‌ها بسیار دشوار است!

سوال ۱۲

پاسخ: گزینه ۲

صورت سؤال، حالی را می‌خواهد که متفاوت از بقیه باشد.

حال گاهی به صورت یک اسم نکره و گاهی به شکل یک جمله ظاهر می‌شود.

در گزینه «۲»، «مظلومین» اسم مفعول و نکره است که به بیان حالت می‌پردازد و نقش حال را دارد، در حالی که در سایر گزینه‌ها حال به صورت جمله اسمیه آمده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «و هی تطالع ...» حال است.

گزینه «۳»: «و هو مجیب ...» حال است.

گزینه «۴»: «و هم نشیطون ...» حال است.

سوال ۳

پاسخ: گزینه ۴

صورت سؤال فعلی را می‌خواهد که بر ماضی استمراری دلالت داشته باشد.

وقتی در جمله حالیه فعل مضارع داریم و قبل از آن فعل ماضی آمده است، فعل مضارع به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود:

فعل ماضی + فعل مضارع ← فعل ماضی + فعل «ماضی استمراری»

در گزینه «۴»، فعل «تلعب» در جمله حالیه مضارع است و قبل از آن نیز فعل «قُبلت» به صورت ماضی آمده است، بنابراین «تلعب» دلالت بر ماضی استمراری دارد. (ترجمة عبارت: دخترم را بوسیدم در حالی که با هم‌کلاسی‌هایم در حیاط بازی می‌کرد!)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «تُدافع» و «تسیر» هر دو فعل مضارع هستند.

گزینه «۲»: بعد از «كانت»، فعل مضارع نیامده است، پس فعل ماضی استمراری نداریم.

گزینه «۳»: «يقوم» و «يتوكل» هر دو فعل مضارع هستند.

سوال ۴

پاسخ: گزینه ۳

در گزینه «۳»، حرف «واو» قبل از یک جمله اسمیه آمده است که به بیان حالت می‌پردازد، پس واو حالیه داریم.

ترجمه عبارت: تظاهرکنندگان به وزارت کشور هجوم آوردند در حالی که صورت‌هایشان پوشیده بود!

در سایر گزینه‌ها چنین ساختاری وجود ندارد.

سوال ۵

پاسخ: گزینه ۲

صورت صحیح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: الْحَضْر
گزینه «۳»: الْأَسْتِثْنَاء
گزینه «۴»: الْأَسْتِثْنَاء



نام برگزار کننده

مدت زمان آزمون: -

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون:

تاریخ برگزاری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

١) عيّن العبارة التي فيها الإهتمام و العناية على وقوع الفعل فقط:

- ١) أعرف الطلاب الذين يرتلون القرآن ترتيباً يُحرّك القلوب!
٢) يغفر الله ذنوبكم و من يُطع الله و رسوله فقد فاز فوزاً عظيماً!
٣) وقف اللاعبون بعد لعبهم قُرب جدار الملعب وقوفاً ليستريحوا!
٤) نظرة المؤمن إلى العالم و الحوادث القاسية تُعطيهِ صبراً!

٢) عيّن الخطأ للفراغ لإيجاد المفعول المطلق: «ليت الحكام قد عاملوا الرعية.....»

- ١) مُعاملة الآباء! ٢) مُعاملة! ٣) مُعاملة جيّدة! ٤) مُعاملين!

٣) عيّن ما ليس فيه المفعول المطلق:

- ١) سعادة الآخرين لن تُقلل من سعادتنا حقاً،
٢) و صحتهم لن تسلب عافيتنا أيضاً،
٣) معاذ الله أن نصبح أغنياء بنقص رزق الآخرين،
٤) فيجب علينا أن نرى للآخرين حقاً!

٤) عيّن الصحيح للفراغ لبيان كيفة وقوع الفعل: «لنقرأ بعض الحكايات التاريخية.....!»

- ١) عجيبة! ٢) قراءة! ٣) قراءة دقيقة! ٤) الدققة!

٥) عيّن ما ليس فيه المفعول المطلق:

- ١) لو عرفت خالك معرفة حقيقية، آمنت به إيمان المؤمنين!
٢) عليك أن تفكر في انتخاب الصديق المناسب تفكراً عميقاً!
٣) إنّ هذا المصوّر قد صوّر مناظر جميلة، منها جبال تجرى فيها العيون!
٤) كلما سعيّت أن أشكر نعم الله الكثيرة وجدت نفسي عاجزاً من أن أشكره شكراً يليق به!

٦) عيّن المفعول المطلق لبيس له حروف زائدة:

- ١) اجتنبت عن الذنوب التي تنزل البلاء إجتنباً!
٢) على كلّ تلميذ أن يفكر في مشاكله تفكراً عميقاً!
٣) لعلّ الأصدقاء يصبرون على ما أصابهم صبراً جميلاً!
٤) الأغنياء أحسنوا إلى مساكين المدينة إحسان الخالسين!

٧) عيّن ما فيه تأكيد الفعل:

- ١) خيرنا ربنا باختيار الأعمال من الخير و الشر!
٢) قتل الأوب العادل أولاده و هم يُقبلون إليه!
٣) يقضم الجراد الأوراق في فمه دائماً و سريعاً!
٤) لا نريد أن نصى الله في أعمالنا عصياناً!

٨) عيّن ما ليس فيه التأكيد على وقوع الفعل:

- ١) لا تحزنون لما فات منكم!
٢) لا تجلسن كثيراً فالرياضية مفيدة لك!
٣) لقد قرأنا ما هو مفيد لنا في الحياة!
٤) ليسمعوا كلامي حتى لا يعوا في الهلاكه!

۹ «ما أسرع تلوث الهواء في تخريب بيئتنا إن لم يتحقق التوازن فيها، مهدد للبشرية!»:

- ۱) اگر تعادل در محیط زیست محقق نشود چقدر آلودگی هوا برای خراب شدن محیط زیست ما سریع، و برای بشریت چقدر تهدیدکننده می‌باشد!
- ۲) آلودگی هوا در خراب کردن محیط زیست ما چقدر سریع است اگر تعادل در محیط زیست محقق نشود، و این امر تهدیدکننده بشریت است!
- ۳) برای خراب شدن محیط زیست ما آلودگی هوا بسیار سریع است و برای بشریت تهدیدکننده است، اگر تعادل در آن محقق نشود!
- ۴) آلودگی هوا برای خراب کردن محیط زیست ما سریع نیست اگر تعادل در آن محقق شود، وگرنه بشریت را تهدید می‌کند!

۱۰ «التفايات الصناعية تُهدد بلادنا بتلوث البيئة و تُضيع التوازن في طبيعتها، فما أظلم الإنسان بنفسه!»:

- ۱) پسماندهای صنایع کشورمان را به آلوده شدن محیط زیستش تهدید کرده توازن را در طبیعت از بین می‌برد، پس انسان بسیار ظالم بر خود است!
- ۲) زباله‌های صنعتی کشور ما را به آلودگی محیط زیست تهدید می‌کند و توازن را در طبیعت آن از بین می‌برد، پس چه ظالم است انسان به خودش!
- ۳) زباله‌های ناشی از صنعت محیط زیست ما را در کشور تهدید می‌کند و توازن موجود در طبیعت را از بین خواهد برد، پس انسان بسیار ظلم کرده است!
- ۴) پسماندهای مربوط به صنعت محیط زیست کشورمان را تهدید به آلوده کردن می‌کند و توازن آن را در طبیعتش از بین خواهد برد، پس انسان چقدر ظلم می‌کند!

۱۱ «آیا ندانستی که این پرنده، لانه بلندش را دور از شکارچیان می‌سازد!»:

- ۱) أ لم تعلم أنّ الطائر يبني هذا العش المرتفع بعيداً عن المفترسين!
- ۲) أ لم تعلموا أنّ هذا طائر يصنع عشه المرتفع بعيداً عن الضيادين!
- ۳) أ لم تعلمي أنّ هذا الطائر يبني عشه المرتفع بعيداً عن المفترسين!
- ۴) أ لم تعلما أنّ هذا الطائر يبني عشها المرتفع البعيد عن الضيادين!

۱۲ «لعلّ المواطنين يجتنبون مفا يؤدى إلى موت الحيوانات لكي يستمرّ توازن الطبيعة!»:

- ۱) امید است هم‌میهنان از آنچه منجر به کشتن حیوانات شود، دوری کنند تا توازن در طبیعت استمرار یابد!
- ۲) امید است هم‌وطنان از آنچه که باعث مرگ حیوانات می‌شود، اجتناب کنند تا تعادل طبیعت ادامه پیدا کند!
- ۳) شاید هم‌میهنان از چیزی که منجر به مرگ موجودات می‌شود، دوری کنند تا طبیعت توازن خود را ادامه دهد!
- ۴) شاید هم‌وطنانمان از هرچه باعث مرگ حیوانات شود، اجتناب ورزند تا بتوانند تعادل طبیعت را استمرار دهند!

۱۳ «لماذا لا تُسمع اليوم من الحديقة العامة إلا أصوات الطيور التي نراها فوق الأشجار!»:

- ۱) چرا امروز چیزی جز صدای پرندگان را از پارک نمی‌شنویم، همان پرندگانی که آن‌ها را بالای درختان می‌بینیم؟!
- ۲) چرا امروز از پارک فقط صداهای پرندگانی شنیده می‌شود که آن‌ها را بالای درختان می‌بینیم؟!
- ۳) چرا امروز از پارک فقط صدای پرندگانی که بالای درختان زندگی می‌کنند شنیده می‌شود؟!
- ۴) چرا امروز از پارک فقط صداهای پرندگانی را می‌شنویم که آن‌ها را بالای درختان دیدیم؟!

۱۴ عین الضحیح للفراغات:

«رما تستطيع أن تملك كل ما تُريد، و أنت ظالم، ولكن عندما يدعو عليك مظلوم، تفقد كل ما ملكت فقداناً أبدياً!»:

..... بتوانی هرچه را بخواهی مالک شوی ولی وقتی که یک مظلوم تو را نفرین کند، همه آن‌چه را به‌دست آورده‌ای از دست می‌دهی!

۲) چه بسا / در حالی که ستمکاری / تا ابد

۴) چه بسا / با ستمکار بودن / مطمئناً

۱) شاید / با ستمکار بودن / مطمئناً

۳) شاید / حال آن‌که ظالمی / تا زمانی

۱۵ عین الخطأ:

- ۱) عندما تعريف كيف فشلنا نفهم كيف سننجح: هر زمان بدانیم چگونه شکست خوردیم، می‌فهمیم چگونه موفق خواهیم شد!
- ۲) لا شك أنك لا تخسر إلا إذا امتنعت عن المحاولة: شکی نیست که تو فقط زمانی که از تلاش خودداری کنی، زیان می‌بینی!
- ۳) إن النجاح لا يحتاج إلى الإقدام فقط، بل إلى الجسارة أيضاً: پیروز شدن فقط به قدمها احتیاج ندارد بلکه به جسارت نیز نیازمند است!
- ۴) من يكذب، لا يجد دليلاً مُقنعاً لإثبات قوله أبداً: کسی که دروغ می‌گوید، هرگز برای ثابت کردن گفته خود دلیلی قانع کننده نمی‌یابد!



نام برگزار کننده

مدت زمان آزمون: --

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون:

تاریخ برگزاری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

سوال ۱

پاسخ: گزینه ۳

«وقوفاً» مفعول مطلق تأکیدی است، زیرا آخر جمله آمده و بعد از آن کلمه‌ای به عنوان صفت یا مضاف‌الیه نیامده است. مفعول مطلق تأکیدی همواره بر وقوع فعل تأکید و اهتمام می‌ورزد؛ در سایر گزینه‌ها به ترتیب «ترتیباً، فوزاً» مفعول مطلق نوعی هستند و در گزینه «۴»، «صبراً» مفعول به است، زیرا فعلی از ریشه آن ذکر نشده است.

سوال ۲

پاسخ: گزینه ۴

برای ایجاد مفعول مطلق، نیاز به مصدر فعل داریم، بنابراین «مُعَامِلِينَ» که اسم فاعل است، نامناسب می‌باشد.

سوال ۳

پاسخ: گزینه ۴

گزینه ۴

کلمه‌ی (حقاً) در گزینه‌ی «۴» مفعول مطلق نیست بلکه مفعول به مؤخر برای (تَرَى) می‌باشد.

در گزینه‌ی «۱»: کلمه‌ی (حقاً) مفعول مطلق محذوف‌الفعل است و در گزینه‌ی «۲»: نیز کلمه‌ی (ایضاً) مفعول مطلق است که فعلش حذف شده است و در گزینه‌ی «۳»: کلمه‌ی (معاذالله) مفعول مطلق محذوف‌الفعل است.

سوال ۴

پاسخ: گزینه ۳

برای بیان کیفیت و چگونگی وقوع فعل، از مفعول مطلق نوعی استفاده می‌کنیم، بنابراین باید بعد از مصدر، از صفت یا مضاف الیه استفاده کنیم. «قراءةً دقیقَةً» این شرایط را دارد.

سوال ۵

پاسخ: گزینه ۳

در این عبارت اسمی که بتواند مفعول مطلق باشد، نیامده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «معرفة» مصدر فعل «عرفت» و مفعول مطلق برای آن است.

گزینه «۲»: «تفکراً» مصدر هم‌معنی و نزدیک فعل «تفکّر» است و مفعول مطلق آن محسوب می‌شود.

گزینه «۴»: کلمه «شکراً» مصدر منصوب برای «أشکّر» و مفعول مطلق آن است.

سوال ۶

پاسخ: گزینه ۳

صورت سؤال، مفعول مطلق را می‌خواهد که حروف زائد نداشته باشد؛ یعنی از مصدرهای ثلاثی مجرد باشد. در گزینه «۳»، «صَبْرًا» مفعول مطلق است که یک مصدر ثلاثی مجرد هم به حساب می‌آید. در سایر گزینه‌ها: «إِحْسَانًا»، «تَفَكُّرًا»، «إِحْسَانًا» همگی مفعول مطلق هستند که مصدر ثلاثی مزید محسوب می‌شوند.

سوال ۷

پاسخ: گزینه ۴

گزینه «۴»

«عصیاناً» مصدر فعل جمله است که بدون صفت یا مضاف الیه آمده است و مفعول مطلق تأکیدی به شمار می‌آید. مفعول مطلق تأکیدی برای تأکید بر وقوع فعل به کار می‌رود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «إِخْتِيَارًا» مجرور به حرف جر است و نمی‌تواند مفعول مطلق باشد.

گزینه «۲»: «و هم یقبلون إلیه» جمله حالیه است و تأکید ندارد.

گزینه «۳»: «دائماً» و «سریعاً» هیچ کدام مصدر نیستند و نمی‌تواند برای تأکید باشد.

سوال ۸

پاسخ: گزینه ۱

گزینه «۱»

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۲» نون تأکیدی که به فعل چسبیده برای تأکید وقوع فعل است. در گزینه «۳» حروف (لَ - قَدْ) برای تأکید وقوع فعل‌اند و در گزینه «۴» هم امری بودن جملات علامت تأکید بر وقوع فعل است.

سوال ۹

پاسخ: گزینه ۲

گزینه «۲»

«ما أَسْرَعُ»: (بر وزن «ما أفعل») چه سریع است، چقدر سریع است (رد سایر گزینه‌ها) / «تلوث الهواء»: آلودگی هوا / «فی تخریب بیئتنا»: در خراب کردن محیط زیست ما (رد سایر گزینه‌ها) / «إن لم يتحقق»: (اسلوب شرط) اگر محقق نشود (رد گزینه ۴) / «مُهَدَّد للبشرية»: تهدیدکننده بشریت (رد گزینه‌های ۱ و ۴؛ دقت کنید در گزینه «۱»، «چقدر» نادرست است و در گزینه «۴»، اسم فاعل «مُهَدَّد» به صورت یک فعل ترجمه شده است.)

نکته مهم: اسلوب «ما أفعل ...» به صورت «چه ... است، چقدر ... است» ترجمه می‌شود و دلالت بر تعجب دارد.

سوال ۱۰

پاسخ: گزینه ۲

گزینه «۲»

«الصناعية» در صورت سؤال صفت است و به صورت «صنعتی» ترجمه می‌شود. بنابراین در گزینه‌های «۱» و «۳» و «۴» دقیق ترجمه نشده است! «فما أظلم ...» نیز اسلوب تعجب است که در گزینه «۲» به درستی ترجمه شده است: «چه ظالم است ...»

سوال ۱۱

پاسخ: گزینه ۳

«آیا ندانستی که این پرنده»: أ لم تعلمی أنّ هذا الطائر (رد سایر گزینه‌ها) / «لأنه بلندش»: عُشّه المرتفع (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «دور از شکارچیان»: بعيداً عن المُفترسين (رد گزینه ۴) / «می‌سازد»: یبني

سوال ۱۲

پاسخ: گزینه ۲

«لعلّ»: امید است، شاید / «المواطنين»: هموطنان (رد گزینه ۴) / «يجتنبون»: اجتناب (دوری) کنند / «مقا»: از آن‌چه / «يؤدّي إلى»: منجر به ... می‌شود / «موت الحيوانات»: مرگ حیوانات (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «لکی یستمز»: تا ادامه پیدا کند (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «توازن الطبيعة»: تعادل طبیعت (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

سوال ۱۳

پاسخ: گزینه ۲

گزینه «۲»

«لا تُسمَعُ» فعل مجهول به معنی «شنیده نمی‌شود، فقط ... شنیده می‌شود» است؛ با توجه به وجود حصر در جمله می‌توان از «فقط - تنها» استفاده کرد و جمله را به صورت مثبت ترجمه نمود.

سوال ۱۴

پاسخ: گزینه ۲

«زُيْمًا»: چه بسا (رد گزینه های ۱ و ۳؛ البته «شاید» را هم می توان صحیح در نظر گرفت، ولی براساس نظر کتاب «چه بسا» صحیح تر است.) / «و أنت ظالمٌ (حال جمله)»: در حالی که ستمکاری (رد گزینه های ۱ و ۴) / «أبدياً»: صفت برای مفعول مطلق نوعی (بیانی) «فقداناً» است و به معنی «تا ابد» می باشد (رد سایر گزینه ها)

سوال ۱۵

پاسخ: گزینه ۳

گزینه «۳»

الإقدام (مصدر باب إفعال): اقدام کردن.

الأقدام (جمع القدم): پاها



نام برگزار کننده

① «إِيَّاكَ وَالشَّيْءَ؛ فَإِنَّ الشَّبَّ مِنْ أَسْوَأِ الْعَادَاتِ؛ وَ الشَّاتِمِ هُوَ الَّذِي يُسِيءُ إِلَى نَفْسِهِ وَ بِهَذَا الْعَمَلِ يُبْعَدُ الْآخِرِينَ عَنْهُ!»:

- ۱) برحذر باش از دشنام، بدگویی از بدترین عادت‌ها است و دشنام‌دهنده به خود بد می‌کند و با این کار دیگران را از او دور می‌شوند!
- ۲) هشدار می‌دهم، تو را از دشنام زیرا بدگویی از زشت‌ترین عادت‌ها است و بدگو به خویشتن بدی می‌کند و دیگران را از خود دور خواهد کرد!
- ۳) تو را از دشنام دادن هشدار می‌دهم که بدترین عادات است و دشنام‌گوی همان است که به خویشتن بدی کرده و با این عمل دیگران را از خود دور می‌کند!
- ۴) تو را از دشنام دادن برحذر می‌دارم، زیرا دشنام دادن از بدترین عادات است؛ و دشنام‌گوی کسی است که به خود بدی می‌کند و با این عمل دیگران را از خود دور می‌سازد!

② «علينا أن نتعلّم أن نشاطاتنا اليوميّة لا تكون بشكلٍ يؤدّي إلى الاختلال في توازن الطّبيعة!»:

- ۱) بر ماست که بیاموزیم انرژی‌های روزانه ما به شکلی نباشد که تعادل طبیعت را مختل کند!
- ۲) باید یاد بگیریم که نشاط و کارهایمان در روز به شکلی نباشد که به اختلال در نظام طبیعت بینجامد!
- ۳) ما باید یاد بگیریم که فعالیت‌های روزانه‌مان به گونه‌ای نباشد که منجر به اختلال در تعادل طبیعت گردد!
- ۴) یاد دادن این امر بر ما واجب است که در روز انرژی‌مان آن‌گونه نباشد که در توازن طبیعت اختلال ایجاد کند!

③ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) عندما كنتُ أباكي لوداع صديقي كانت دموعي كأنّها تُحدّثه: وقتی برای خداحافظی از دوستم گریه می‌کردم، گوئی اشک‌هایم با او حرف می‌زدند!
- ۲) قد خُلِقَ الْإِنْسَانُ حُرًّا لَكِنَّهُ دَائِمًا أَسِيرٌ عَادَاتِهِ خَلَقَهَا نَفْسُهُ: انسان را آزاد خلق کرده‌اند ولی او همیشه مجذوب و اسیر عادت‌هایی است که خود خلق می‌کند!
- ۳) هذا اللّسانُ الصّغيرُ قد يَقتلُ شخصاً طوله مترٌ و ثمانون سنتيمترًا: این زبانی کوچک است، ولی گاهی شخصی با قد یک متر و هشتاد سانتی‌متر را می‌کشد!
- ۴) المرءُ الَّذِي يَرسُمُ أهدافًا عاليةً لِحَيَاتِهِ يُشجّعُ نفسه للأعمالِ الكثيرةِ تشجيعًا: انسانی که هدف‌های عالی برای زندگی ترسیم می‌کند خود را برای کارهای زیاد تشویق می‌نماید!

④ عَيْنِ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ

(وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ لَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ):

- ۱) و کسانی که به خدا و فرستادگانش ایمان آوردند و میان کسی از آنان جدایی نیفکنده اند، به‌زودی آنان مزدهایشان را خواهند گرفت!
- ۲) و آنان که به خدا و فرستادگان او ایمان بیاورند و بین هر یک از آنان تفرقه نیندازند، مزدهایشان به آنان داده خواهد شد!
- ۳) و کسانی که به خدا و فرستادگانش ایمان آوردند و میان هیچ‌یک از آنان جدایی نینداخته اند، مزدهایشان را به آن‌ها خواهد داد!
- ۴) و آنان که به خدا و فرستادگان ایمان آورده و بین هیچ‌یک از آنان تفرقه نمی‌افکنند، به‌زودی مزدهایشان را به آنان می‌دهد!

⑤ «لقد أدركَ شبابَ وطننا أنّ الابتكارَ في التّقنيّةِ يُمكنُ أن يُؤدّي إلى التّفدّمِ العالَميّ!»

- ۱) جوانان میهن ما دریافته‌اند که نوآوری در فناوری می‌تواند منجر به پیشرفت جهانی شود!
- ۲) جوان های وطن ما قطعاً دانسته‌اند که نوآوری در تکنیک توانسته است به پیشرفت دنیا منجر شود!
- ۳) جوانان میهن ما دریافته‌اند که ابتکار در تکنولوژی می‌تواند سبب پیشرفت جهان گردد!
- ۴) جوان های وطن ما درک کرده‌اند قطعاً اگر ابتکار در فناوری باشد ممکن است به پیشرفت جهانی بیانجامد!

۶ «لِنَعْلَمَ مَنْ يَغْتَنِمُ فُرْصَ الْحَيَاةِ الذَّهَبِيَّةِ وَ يُحَاوِلُ كَثِيرًا لِلْحُصُولِ عَلَيْهَا فَلَنْ يَنْدِمَ فِي حَيَاتِهِ!»:

- ۱) بایستی بدانیم هرکه فرصت‌های طلایی زندگی را غنیمت می‌شمارد و برای دستیابی به آن‌ها بسیار تلاش می‌کند در زندگی‌اش پشیمان نخواهد شد!
- ۲) تا بدانیم هرکس فرصت‌های طلایی در زندگی را مغتنم شمرده و برای دست یافتن به آن بسیار تلاش کند در زندگی پشیمان نخواهد شد!
- ۳) باید بدانیم هرکس فرصت‌های طلایی زندگی را غنیمت شمارد و برای دستیابی به آن‌ها بسیار تلاش کند در زندگی خود پشیمان نخواهد گردید!
- ۴) لازم است که بدانیم هر که فرصت طلایی زندگی را مغتنم شمارد و برای دست یافتن به آن بیشتر تلاش کند در زندگی خود پشیمان نمی‌گردد!

۷ «ما نَقَرُّ مِنَ اللِّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي عَصْرِنَا الْحَالِيِّ هُوَ الَّذِي كَانَ يَسْتَعْمِدُ قَبْلَ سِنَوَاتٍ!»:

- ۱) آنچه را از زبان عربی در عصر کنونی‌مان نمی‌خوانیم همان است که سال‌ها پیش استفاده شده بود!
- ۲) هر چه از زبان عربی در زمان کنونی می‌خوانیم همان است که سال‌ها پیش استفاده می‌شد!
- ۳) آنچه را از زبان عربی در زمان کنونی‌مان می‌خوانیم همان است که سال‌ها پیش استفاده می‌شد!
- ۴) هر چه از زبان عربی در زمان کنونی‌مان خواندیم همان است که سال‌ها پیش استفاده شده بود!

۸ «كَانَتْ أَمْرٌ حَيَاتِي بِالْأَخْطَاءِ الَّتِي أَرْتَكِبُهَا فِي شِبَابِي وَ لَكِنَّ حَوَادِثَ الدَّهْرِ الْمُرَّةَ نَدَمْتَنِي فَقَمْتُ بِإِصْلَاحِ أُمُورِي!»:

- ۱) زندگی‌ام را گناهایی که در جوانی مرتکب می‌شدم تلخ کرده بود ولی اتفاقات تلخ روزگار پشیمانم کرد پس به اصلاح کارهایم برخاستم!
- ۲) اشتباهاتی که در جوانی‌ام مرتکب شده بودم زندگی را تلخ می‌کرد اما اتفاقات بد روزگار مرا پشیمان کرد و به اصلاح کارهایم اقدام کردم!
- ۳) با خطاهایی که در جوانی‌ام مرتکب می‌شدم زندگی‌ام را تلخ می‌کردم ولی اتفاقات تلخ روزگار پشیمانم کرد پس به اصلاح کارهایم پرداختم!
- ۴) زندگی‌ام را به تلخی می‌کشاندم با گناهایی که در جوانی‌ام مرتکب می‌شدم اما با حوادث تلخ روزگار پشیمان شدم و کارهایم را اصلاح نمودم!

۹ «هَذِهِ صُورٌ قِيَمَةٌ فِي الْمَتْحَفِ وَ يَذْهَبُ سَيَّاحٌ كَثِيرُونَ إِلَى هَذِهِ الْمَتْحَافِ لِيَشَاهِدُوا الصُّورَ!»:

- ۱) این عکس‌هایی ارزشمند است و گردشگرانی بسیار به این موزه‌ها می‌رفتند تا آن تصویرها را مشاهده کنند!
- ۲) در این موزه عکس‌های ارزشمند وجود دارند و به این موزه گردشگران بسیار می‌روند تا آن تصویر را ببینند!
- ۳) این‌ها تصاویر ارزشمندی در موزه هستند و گردشگران بسیاری به این موزه‌ها می‌روند تا آن تصاویر را ببینند!
- ۴) این‌ها تصویرهای ارزشمندی در موزه هستند و گردشگر بسیاری به آن موزه‌ها می‌روند تا تصویرها را مشاهده کنند!

۱۰ «مَا مِنْ أَحَدٍ يَكْذِبُ وَ يُحَاوِلُ أَنْ يُخْفِيَ كَذِبَهُ إِلَّا يَظْهَرُ الْكُذْبُ فِي فَلَاتَاتٍ لِسَانِهِ!»:

- ۱) هر کسی که دروغ می‌گوید و می‌کوشد دروغش پنهان بماند، قطعاً دروغ در لغزش‌های زبان او ظاهر می‌شود!
- ۲) هیچ کسی نیست که دروغ بگوید و بکوشد دروغش را پنهان نماید جز آنکه دروغ در لغزش‌های زبان وی آشکار گردد!
- ۳) هیچ کسی نیست که کذب بگوید و برای پنهان کردن دروغش تلاش کند مگر این که لغزش‌های زبان دروغش را آشکار کند!
- ۴) جز این نیست که کسی که دروغ می‌گوید و تلاش می‌کند دروغش را مخفی نماید، دروغ در لغزش‌های زبانش آشکار می‌گردد!

۱۱ عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) سُرْعَةُ نَقَارِ الْخَشَبِ لَا تَضُرُّ دِمَاغَهُ الصَّغِيرَ! سُرْعَتُ دَارِكُوبَ بِهَ مَغْزُ كُوجِكِ أَوْ زِيَانِ نَمِي رَسَانِدَا!
- ۲) إِذَا اسْتَقَرَّتِ الْأَوْضَاعُ فَسَاءَ ذَهَبُ إِلَى هُنَاكَ ذَهَابًا سَرِيعًا! هَرِگَاهُ أَوْضَاعٌ تَثْبِيتٌ شُودِ سَرِيعٌ بِهَ أَنْجَا خَوَاهِمُ رَفْتَا!
- ۳) الَّذِينَ يَحْصُلُونَ عَلَيَّ جَائِزَةَ أَوْسْكَارِ بَجْتِهْدُونَ اجْتِهَادًا بَالِغًا! كَسَانِي كِهَ بِهَ جَائِزَةَ اسْكَارِ دَسْتِ مِي يَابَنْدِ بَسِيَارٌ تَلَاشِ مِي كَنْنِدَا!
- ۴) هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ الْمَشْكَالَةَ الْكَبِيرَةَ لِنِظَامِ الطَّبِيعَةِ لَيْسَتْ إِلَّا النَّفَايَاتِ الْمَنْزِلِيَّةُ! أَيَا مِي دَانَسْتِي مَشْكَالَ بَزْرَگِ سِيَسْتَمِ طَبِيعَتِ فِقْطِ زِبَالِهَائِي خَانْگِي نَيْسَتْ!؟

۱۲ عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) ذِيلُ هَذِهِ السَّمَكَةِ يُسَاعِدُهَا فِي قَفْزِ فَوْقِ الْمَاءِ! دَمِ اَيْنِ مَاهِيَّاهَا بِهَ أَنْ هَا دَرِ يَكِ پَرَشِ بَرِ رُويِ آبِ كَمَكِ مِي كَنْدَا!
- ۲) أَلَا تَنْظُرُ أَنَّ هَذِهِ الضَّرْبَاتِ تَضُرُّ دِمَاغَهُ الصَّغِيرَ! أَيَا گَمَانِ نَمِي كَنِي كِهَ اَيْنِ ضَرِبَاتِ بِهَ مَغْزِ كُوجِكَشِ صَدْمَهَ مِي زَنْدَا!؟
- ۳) مَاذَا يُسَمِّي أَصْغَرَ طَائِرٍ طُولَهُ أَقْلٌ مِنْ سِتَّةِ سَنِيْمَتْرَاتِ! كُوجِكِ تَرِينِ پَرْنَدَهَائِي رَا كِهَ طُولَشِ كَمْتَرِ اَزِ ۶ سَانْتِي مِتْرِ اسْتِ چِهَ مِي نَامَنْدَا!؟
- ۴) التَّمْسَاحُ تَفْرُزُ عَيْنَاهُ سَائِلًا كَأَنَّهُ دَمُوعٌ جَارِيَةٌ! دُو چِشْمِ تَمْسَاحِ مَابِعِي تَرَشِجِ مِي كَنْدِ كِهَ شَبِيهَ اشْكَهَائِي جَارِيِ اسْتَا!

۱۳ «درخت خفه کننده زندگی اش را با درهم پیچیدن در اطراف تنه یک درخت و شاخه های آن آغاز می کند!»:

- ۱) الشجرة الخائفة تبدأ حياتها بالالتفاف حول جذوع الشجرة و أغصانها!
- ۲) ستبدأ الشجرة الخائفة حياتها بالالتفات حول جذع الأشجار و غصنها!
- ۳) تبدأ الشجرة الخائفة حياتها بالالتفاف حول جذع شجرة و غصونها!
- ۴) تبدأ حياة شجرة خائفة بالالتفات حول جذوع شجرة و غصونها!

۱۴ «إذا استمعت إلى الدرس جيّداً انتفعت به انتفاعاً يُغنيك عن المشاركة في حصّة تقويّةٍ أخرى!»:

- ۱) اگر خوب به درس گوش کنی از آن سودی می بری که تو را از شرکت در زنگ تقویت دیگری بی نیاز می کند!
- ۲) چنانچه به درس خوب گوش فرادهی از آن نفعی می بری که از شرکت در کلاس تقویت دیگری بی نیاز می شوی!
- ۳) هرگاه که به خوبی به درس گوش کردی قطعاً از آن بهره ای بردی که دیگر از حضور در زنگ تقویتی بی نیازت کرد!
- ۴) آنگاه که به درس درست گوش فرادهی از آن نفعی می بری که از شرکت کردن در کلاس تقویتی دیگری بی نیاز می شوی!

۱۵ « بعد النّزول من الطّائرة سَعَت الزّائرة أن تشتري شريحة جديدة لجوّالها لكي تتصل بولديها!»:

- ۱) زائر بعد از پیاده شدن از هواپیما سعی کرد که سیم کارتی جدید بخرد تا با گوشی همراهش با فرزند خود تماس بگیرد!
- ۲) پس از پایین آمدن از هواپیما زائر تلاش کرد که برای تلفن همراه خود سیم کارت جدیدی بخرد تا با فرزندانش تماس بگیرد!
- ۳) زائر پس از اینکه از هواپیما پایین آمد برای خرید یک سیم کارت جدید برای تلفن همراهش اقدام کرد تا با فرزند خود تماس بگیرد!
- ۴) بعد از پیاده شدن از هواپیما زائر سعی کرد که برای گوشی همراه خود اعتبار جدیدی خریداری کند تا تماسی با فرزندانش برقرار کند!



نام برگزار کننده

مدت زمان آزمون: -

نام و نام خانوادگی:

نام آزمون:

تاریخ برگزاری: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

سوال ۱

پاسخ: گزینه ۴

گزینه «۴»

«إِيَّاكَ وَ الشَّتَمَ»: بپرهیز از دشنام دادن، تو را از دشنام دادن برحذر می‌دارم، برحذر باش از دشنام / «السَّبِّ»: دشنام دادن (رد گزینه ۳) // «مِنْ أَسْوَأِ الْعَادَاتِ»: از بدترین عادت‌ها (رد گزینه ۳) // «الشَّامِمْ»: دشنام‌گوی / «هُوَ الَّذِي»: (همان) کسی است که (رد گزینه‌های ۱ و ۲) // «يُسيءُ»: بدی می‌کند / «إِلَى نَفْسِهِ»: به خود / «بِهَذَا الْعَمَلِ»: با این کار (رد گزینه ۲) // «يُبْعِدُ»: (فعل مضارع از باب «افعال» است و به صورت متعدی ترجمه می‌شود) دور می‌سازد (رد گزینه‌های ۱ و ۲) // «الْآخِرِينَ»: دیگران

نکته: ساختار «إِيَّاكَ (إِيَّاكُم) و» به صورت «از بپرهیز، از برحذر باش، تو را از برحذر می‌دارم» ترجمه می‌شود. این ساختار برای بازداشتن از کاری زشت و ناپسند استفاده می‌شود. (در قواعد عربی به آن «اسلوب تَحذِيرٍ» می‌گویند.)

سوال ۲

پاسخ: گزینه ۳

گزینه «۳»

«عَلَيْنَا أَنْ نَتَعَلَّمَ»: ما باید یاد بگیریم (رد گزینه ۴) // «نشاطاتنا اليوميَّة»: (ترکیب وصفی - اضافی، شامل مضاف‌الیه + صفت) فعالیت‌های روزانه‌مان (رد سایر گزینه‌ها) // «لا تكون»: نیست، (در اینجا) نباشد / «بشكلي»: به شکلی، به گونه‌ای / «يؤدِّي»: (در اینجا) منجر شود (رد گزینه‌های ۱ و ۴) // «الاختلال في توازن الطَّبيعة»: اختلال در تعادل طبیعت (رد سایر گزینه‌ها)

سوال ۳

پاسخ: گزینه ۱

گزینه «۱»

«كُنْتُ أَبْكِي»: (فعل ماضی استمراری) گریه می‌کردم / «كانت تُحَدِّثُهُ»: (فعل ماضی استمراری) با او حرف می‌زدند / «دُموعي»: اشک‌هایم / «كأنَّ»: گویی

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: «خُلِقَ» فعل ماضی مجهول است که به اشتباه به صورت معلوم ترجمه شده است، همچنین «خَلَقَهَا» ماضی است اما به صورت مضارع ترجمه شده است. (ترجمه صحیح عبارت: انسان آزاد خلق شده است ولی او همیشه اسیر عادت‌هایی است که خود خلق کرده است!)

گزینه «۳»: «اللِّسَانِ الصَّغِيرِ» معرفه است که به اشتباه به صورت نکره ترجمه شده است، همچنین «ولی» معادلی در عبارت عربی ندارد. (ترجمه صحیح عبارت: این زبان کوچک گاهی شخصی را می‌کشد که قدش یک متر و هشتاد سانتی‌متر است!)

گزینه «۴»: «أَهْدَافاً عَالِيَةً» نکره است که به اشتباه به صورت معرفه ترجمه شده است، همچنین ضمیر متّصل در «حیاته» ترجمه نشده است، «تَشْجِيعاً» نیز مفعول مطلق تأکیدی برای فعل «يُشَجِّعُ» است که باید در ترجمه، به شکل قید تأکید بیاید. (ترجمه صحیح عبارت: انسانی که هدف‌هایی عالی برای زندگیش ترسیم می‌کند، خودش را قطعاً به کارهای زیاد تشویق می‌نماید!)

سوال ۴

پاسخ: گزینه ۳

گزینه «۳»

«الَّذِينَ آمَنُوا»: کسانی که ایمان آوردند (رد گزینه ۲) / «زُسِلِه»: فرستادگانش (رد گزینه ۴) / «لَمْ يُفَرِّقُوا»: جدایی نینداخته اند (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ»: میان هیچ‌یک از آنان (نکته: هر گاه پس از فعلی منفی، اسمی نکره بیاید، می‌توان آن اسم نکره را با «هیچ» ترجمه کرد) / «سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ»: به آن‌ها خواهد داد (رد سایر گزینه‌ها) / «أُجُوزِهِمْ»: مزدهایشان

سوال ۵

پاسخ: گزینه ۱

گزینه «۱»

«لقد أدركَ»: دریافته‌اند (رد گزینه ۲) / «شباب ووطننا»: جوانان میهن ما / «أَنْ»: که (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «الإبتكار فى التَّقْنِيَّةِ»: نوآوری در فناوری / «يُمْكِنُ أَنْ يُؤَدَّى»: می‌تواند منجر شود (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «إِلَى التَّقَدُّمِ الْعَالَمِيِّ»: به پیشرفت جهانی (رد گزینه‌های ۲ و ۳).

سوال ۶

پاسخ: گزینه ۳

گزینه «۳»

«لِنَعْلَمَ»: باید (لازم است) بدانیم (رد گزینه ۲) / «مَنْ يَغْتَنِمُ ... وَ يَحَاوِلُ»: هر کس مغتنم (غنیمت) شمارد ... و تلاش کند (رد گزینه ۱) («مَنْ» ادات شرط است و فعل شرط آن «یغتنم» و فعل معطوف به آن «یحاول» باید به شکل مضارع التزامی ترجمه شود) / «فُرُصُ الْحَيَاةِ الذَّهَبِيَّةِ»: فرصت‌های طلایی زندگی (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «كثيراً»: بسیار (رد گزینه ۴) / «فلن يندم»: پشیمان نخواهد شد (رد گزینه ۴) / «حياته»: زندگی‌اش (رد گزینه ۲)

سوال ۷

پاسخ: گزینه ۳

گزینه «۳»

«ما»: آنچه (این جا ادات شرط نیست) (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «نقرأ»: می‌خوانیم (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «كان يستخدم»: استفاده می‌شد (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «فى عصرنا الحالى»: در عصر کنونی ما (رد گزینه ۲)

سوال ۸

پاسخ: گزینه ۳

گزینه «۳»

«کنْتُ أُمِّرَ»: تلخ می‌کردم / «بالأخطاء أَلْتِي»: با خطاهایی که / «أَرْتَكِبُ»: مرتکب می‌شدم / «حوادث الدَّهْرِ الْمُزَّةُ»: اتفاقات تلخ روزگار / «نَدَمْتَنِي»: پشیمانم کرد / «قَمْتُ بِإِصْلَاحِ أُمُورِي»: به اصلاح کارهایم پرداختم

بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: گناهای (اولاً «الأخطاء» یعنی «اشتباهات» ثانیاً حرف «ب» در «بالأخطاء» ترجمه نشده است.) - جوانی (ضمیر «ی» در «شبابی» ترجمه نشده است.) - «تلخ کرده بود» («کنْتُ أُمِّرَ» ساختار «کان + مضارع» را دارد، پس به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.) - برخاستم («قَمْتُ ب» یعنی «اقدام کردم»)

گزینه «۲»: اشتباهاتی (باز هم حرف «ب» ترجمه نشده است.) - مرتکب شده بودم («أَرْتَكِبُ» مضارع است و به‌خاطر وجود «کنْتُ» در ابتدای جمله به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.) - زندگی (ضمیر «ی» در «حیاتی» ترجمه نشده است.) - بد («المُزَّةُ» یعنی «تلخ»)

گزینه «۴»: به تلخی می‌کشاندم (ترجمه دقیقی برای «کنْتُ أُمِّرَ» نیست.) - گناهای (مانند گزینه ۱) - با حوادث ... (حرف «با» اضافی است.) - پشیمان شدم (ضمیر «ی» در «ندمتنی» مفعول است.) - اصلاح نمودم («قَمْتُ ب» در ترجمه لحاظ نشده است.)

سوال ۹

پاسخ: گزینه ۳

گزینه «۳»

«هذه صور قيِّمة في الـمتحف»: این‌ها تصاویر ارزشمندی (عکس‌هایی ارزشمند) در موزه هستند (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «يذهب سياح كثيرون»: گردشگرانی بسیار، گردشگران بسیاری ... می‌روند (رد سایر گزینه‌ها) / «إلى هذه الـمتاحف»: به این موزه‌ها (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «ليشاهدوا الصور»: تا آن تصاویر (تصویرها)، را مشاهده کنند (ببینند) (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

سوال ۱۰

پاسخ: گزینه ۲

گزینه «۲»

«ما من أحد»: هیچ کسی نیست (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «يحاول»: بکوشد / «أن يُخْفِي كذبه»: دروغش را پنهان کند (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «إلا»: مگر، جز (رد گزینه ۱) / «يظهر الكذب»: دروغ آشکار می‌شود (رد گزینه ۳) / «في فلتات لسانه»: در لغزش‌های زبانش (رد گزینه ۳)

سوال ۱۱

پاسخ: گزینه ۴

گزینه «۴»

«تعلم»: (مضارع معلوم) می‌دانی (هرگاه «کان» با فعل مضارع بیاید، معنای معادل ماضی استمراری فارسی دارد) / «فقط زبانه‌های خانگی نیست؟» نادرست است، زیرا در اسلوب حصر، اگر از لفظ «تنها، فقط» استفاده شود، باید جمله به صورت مثبت بیاید، در غیر این صورت از «به‌جز» استفاده می‌شود. صحیح این عبارت به دو صورت است:

۱- فقط زبانه‌های خانگی است؟ ۲- جز زبانه‌های خانگی نیست؟

سوال ۲۲

پاسخ: گزینه ۲

گزینه «۲»

غلط سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «السَّمَكَة» جمع ترجمه شده است

گزینه «۳»: «يُسَمَّى» معلوم معنا شده است

گزینه «۴»: «كَانَ» به صورت فعل معنا شده و «دموع جاریه» معرفه ترجمه شده است.

سوال ۲۳

پاسخ: گزینه ۳

گزینه «۳»

«درخت خفه کننده»: الشَّجَرَة الخانقة (رد گزینه ۴) / «زندگی اش»: حیاتها (رد گزینه ۴) / «با در هم پیچیدن»: بالالتفاف (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «در اطراف تنه یک درخت»: حول جذع شجرة (رد سایر گزینه‌ها) / «شاخه های آن»: غصونها، أغصانها (رد گزینه ۲) / «آغاز می‌کند»: تبدأ (رد گزینه ۲)

سوال ۲۴

پاسخ: گزینه ۱

گزینه «۱»

«إذا استمعت»: اگر گوش کنی / «إلى الدرس»: به درس / «جيداً»: خوب (رد گزینه ۴) / «انتفعت به»: از آن سود می‌بری / «انتفاعاً يُعنيك»: (مفعول مطلق نوعی) که تو را بی‌نیاز می‌کند (رد سایر گزینه‌ها) / «عن المشاركة»: از شرکت / «في حصّة تقوية أخرى»: در زنگ تقویت دیگری (رد گزینه ۳)

سوال ۲۵

پاسخ: گزینه ۲

گزینه «۲»

«بعد التزول»: بعد از پایین آمدن (رد گزینه ۳) / «من الطائفة»: از هوایما / «سَعَتْ»: سعی کرد (رد گزینه ۳) / «أن تشتري»: که بخرد (رد گزینه ۳) / «شريحة جديدة»: سیم‌کارت جدیدی (رد گزینه ۴) / «لجوالها»: برای تلفن همراهش (رد گزینه ۱) / «لکی تتصل»: تا تماس بگیرد (رد گزینه ۴) / «ولديها»: (ولديها = ولدين + ها) با فرزندانش (رد گزینه‌های ۱ و ۳)